

«نقد و بررسی عملکرد گروه هشت در آفریقا»

مقدمه:

چهار سال پیش هنگامیکه گفتگو میان گروه هشت و رؤسای جمهور امبکی، ابوسانجو و وید شروع شد، بسیاری این نشست را بعنوان کلیدی برای موفقیت طرح مشارکت جدید برای توسعه آفریقا (نیپاد)^۱ و در واقع رنسانس آفریقا می‌دانستند. در ظاهر گروه هشت علاقه زیادی در این زایش جدید رهبران آفریقا برای احیای سیاسی و اقتصادی قاره از خود نشان داد و این اشتیاق ظاهری در پرده‌برداری از طرح عمل آفریقا و گروه هشت در سال ۲۰۰۲ و دیدار جرج بوش از آفریقا در ژولای ۲۰۰۳ انعکاس یافته بود. به فاصله کوتاهی از دیدار بوش از قاره، سرودر صدراعظم آلمان دیداری از جنوب آفریقا به عمل آورد. کشورهای عضو گروه هشت همچنین هر یک سعی کردند که بازی بهتری انجام دهند که البته این تلاش‌ها در جهت افزایش نفوذشان در قاره بود.

زمانیکه فرانسه در مارس ۲۰۰۴ رهبران آفریقا را که رئیس جمهور رابرت موگابه را نیز شامل می‌شد برای بحث در مورد چالش‌هایی که قاره در سال ۲۰۰۲ با آن روبرو بود

^۱. New partnership for Africa's development (NEPAD)

به پاریس دعوت کرد، نخست وزیر انگلیس تونی بلر کمیسیونی را به منظور ارزیابی دوباره مشکلات شناخته شده آفریقا برگزار کرد.

اما نشست دیگری نیز گروه هشت در سال ۲۰۰۵ خواهد داشت و سئوالاتی در مورد خیانت گروه هشت یا کاهش آشکار تعهد به مشکلات قاره آفریقا و گرایش به چرخه کهنه و قدیمی تعهدات در ذهنها شکل خواهد گرفت. واقعیت موضوع این است که پاسخ گروه هشت از نظر معنایی مثبت اما از نظر تعهد بنیادی به منابع مایوس کننده است. در ضمن اینکه با ارزیابی این موارد امکان پیشرفت بعید به نظر می‌رسد. شاید زمان آن باشد که اتحادیه آفریقا جایگزین‌هایی را برای پاکسازی استراتژی خود برای اقدام متقابل با گروه هشت پیدا کند.

طرح عدم فعالیت برای آفریقا

وقتی در سال ۲۰۰۴ طرح عمل گروه هشت برای آفریقا (APA)^۱ در کانادا مطرح شد بسیاری از روی اشتباه آن را بعنوان سنگ بنای طرح مارشال قرن ۲۱ برای قاره توصیف کردند.

شوق و شغف زیادی در میان طرفداران گفتگوی میان آفریقا و گروه هشت بود، بواسطه تعهداتی که عبارتند از:

۱. کاهش موانع صادرات آفریقا به کشورهای گروه هشت،
۲. کاهش عظیم در یارانه‌های بحث انگیز ۳۶۰ میلیارد دلاری که کشاورزان گروه هشت را قادر می‌کند نسبت به کشاورزان آفریقایی محصولات ارزانه‌تری را به بازار عرضه

^۱. Action plan for Africa

کنند. در پاسخ به چنین کمکی رؤسای جمهور امبکی، وید و اوباسانجو به گسترش دولت خوب (یعنی گسترش شفاف سیاستهای نئولیبرال) برای افزایش توان مالی، کاهش بدهی و دستیابی به بازارها متعهد شدند.

به هر حال از وعده‌هایی که در طرح عمل برای آفریقا مطرح شده بود تنها به تعداد خیلی کمی از آنها عمل شد. همچنین وعده‌های ناچیزی برای کاهش بدهی و مشارکت جدید برای توسعه آفریقا (نییاد) وجود داشته است. به طور خلاصه، گروه هشت نه تنها توجهی برای کاهش یارانه‌هایی که مهمترین عامل در تجارت بین‌المللی محصولات کشاورزی علیه ملت‌های در حال توسعه است، ندارد بلکه تصمیم به حذف موارد بدون بهره طرح نییاد، پیشرفت دولت و تشویق تجارت بخش خصوصی را گرفته است.

گروه هشت طرح‌هایی را که برای تعیین بودجه پروژه‌های زیربنایی مطرح شده، نپذیرفته و از موضوع یارانه‌های کشاورزان که سبب مسدود شدن واردات آفریقا شده طفره رفته است و به اهداف بلند پروازانه نییاد که برای کاهش بدهی‌ها می‌باشد بی‌توجه مانده است.

اگر چه برخی فکر کردند که دیدار رئیس جمهور بوش از قاره به رهبران قاره فرصتی را خواهد داد تا موضوعات آفریقا را در دستور برنامه توسعه آمریکا قرار دهند و شادی این سفر قضاوت زودهنگام و یا کوتاه مدت را سبب شد.

هیئت نمایندگی آمریکا تأکید بسیاری بر موفقیت‌های طرح آگوا (قانون رشد و فرصت‌های تجاری آفریقا)^۱ داشته و بسیار نگران جایگزینی آن بودند. در واقع منافع آگوا محدود بوده است. تنها ۲۲ کشور از ۳۲ کشور واجد شرایط قادر به استفاده از این

^۱. Africa Growth and opportunity Act

تسهیلات شده‌اند. تنها شش کشور قادر به توسعه صادرات پارچه و منسوجات خود به آمریکا شده‌اند. در حقیقت، مورد لوسوتو پیچیدگی آگوا را روشن می‌کند. این کشور شش کارخانه جدید تولید پوشاک را افتتاح کرد و بین سالهای ۲۰۰۲-۲۰۰۳ کالایی به ارزش ۳۱۸ میلیون دلار به آمریکا صادر کرد.

نگاه دقیق‌تر به روابط تجاری آمریکا با آفریقا نشان می‌دهد که آگوا تاکنون حدوسطی از موفقیت را کسب کرده است. بدین ترتیب سایر زمینه‌های تجاری آمریکا - آفریقا نیز نیاز به توجه دارد.

قیمت شکنی توسط یارانه‌های محصول پنبه منجر به ضربه خوردن بیش از ۲۵۰ میلیون دلار به اقتصاد غرب آفریقا شده است. این یارانه‌ها کشاورزان محصول پنبه در می‌سی‌سی‌پی را قادر می‌سازد که تقریباً سه برابر کشاورزان مالی پنبه تولید کنند و تولیدات خود را با قیمت ارزتری در بازار جهانی بفروشند. چیزی تلخ‌تر از این نیست که یارانه‌های اختصاص داده شده به ۲۵۰۰۰ کشاورز آمریکایی برابری می‌کند با کل کمک‌های خارجی که به بیش از ۵۰۰ میلیون آفریقایی می‌شود.

آمریکا سعی کرد، که تلاش‌های دولتهای آفریقایی را جهت پیدا کردن راه حلی برای مشکلات خشکسالی و گرسنگی آفریقا بی‌نتیجه کند. اگر چه نوسانات مرز گرسنگی برخی کشورهای آفریقایی که توسط زامبیا و زیمباوه هدایت می‌شوند، تعجب آمریکا را نه تنها در مخالفت صریح با معرفی محصولات تغییر یافته ژنتیکی بلکه با امتناعشان از پذیرفتن کمک‌های آمریکا در غالب دانه‌های تغییر ژن یافته ایجاد کردند.

متقابلاً آمریکا با کاربرد اقدامات اقتصادی برای به زور خوراندن این محصولات به قاره متوسل به تهدید شد. برای نمونه چالش حقوقی آمریکا علیه اتحادیه اروپا و شرط اخیر آمریکا برای رهبری مبارزه با ویروس ایدز کشورهایی که بدنبال مبارزه با ایدز هستند

در مورد اینکه آنها باید دانه‌هایی تغییر یافته ژنتیکی را بپذیرند. می‌توان همین جریان را برای آینده روابط گروه هشت با شرکای نابرابر آفریقایی در نظر گرفت.

بوش قول داد که دو موضوع مهم را حتماً دنبال کند: ۱- تصمیم آمریکا در تهیه لیستی از بیماری‌هایی که مسبب آن داروهای ژنتیک است. ۲- در نظر گرفتن یک میلیارد دلار برای مبارزه جهانی علیه ایدز. بوش برنامه جهانی ایدز را امضاء کرد که در آن ۱۵ میلیارد دلار برای مبارزه با ایدز، مالاریا و سل برای یک دوره پنج ساله در نظر گرفته شده است.

اما همزمان که دولت بوش وعده این بودجه را داد، سیاست‌های تجاری خود را در کشورهای فقیر برای ورود داروهای فراهم شده به اجرا گذاشت. دولت بوش نمی‌خواهد راجع به تأمین همگانی بین‌المللی و واردات داروهای ارزان قیمت بحث کند و بدین طریق ظرفیتهای کشورهای فقیر برای فراهم کردن بهداشت عمومی را کم می‌کند. با این دید استکباری دولت بوش به مشکلات بین‌المللی، این دولت در کنفرانس جهانی ایدز در تایلند نه تنها سعی در کاهش سهم مشارکت خود می‌کند بلکه بر استراتژیهای ارزان‌تر در مبارزه با بیماری ایدز همچون پرهیز از روابط جنسی تأکید می‌کند. این به طور واضح در تقابل با وعده‌های کمک آمریکا در ساختن سیستم‌های بهداشتی مناسب می‌باشد.

چه کمکهایی؟ در حالیکه وعده تخصیص منابع در نشستهای گروه هشت به سختی تحقق یافته است وعده‌های بیشتر در مورد پول جدید با شرایط سخت‌تری داده شده که این وعده‌ها با بی‌اعتباری سیاست‌های تنظیمی ساختاری صندوق بین‌المللی پول (IMF)^۱ که از دهه ۱۹۸۰ تا دهه ۱۹۹۰ اعمال شده آمیخته شده است.

^۱. International Monetary Fund

بخش عمده سیاست‌های حمایت خارجی آمریکا از یازده سپتامبر به بعد در چارچوب گزارش چالش هزاره در سالهای آینده افزایش پنجاه درصدی خواهد داشت. به موجب گزارش چالش هزاره کمک‌ها باید در جهت تقویت دولتهایی باشد که با فساد مبارزه می‌کنند و در امور بهداشتی و آموزشی مردم سرمایه‌گذاری کرده و اقتصاد آزاد را ترویج می‌دهند.

شرایط پرداخت پول جدید^۱ جهت کمک‌های توسعه هدفی نو را دنبال می‌کند. جدا از ایجاد رقابت جذب اغلب سرمایه‌های خارجی در برخی از کشورهای فقیر آفریقایی سبب ویرانی آنها می‌شود زیرا بر اساس شرایط جدید کشورها باید از مخالفت با توافقات دوجانبه‌ای که به آمریکا و سایر کشورهای توسعه یافته اجازه می‌دهد که یا قوانین را لغو و یا توافقات سازمان تجارت جهانی را در مورد تجارت دور بزنند، دست بردارند. در واقع کشورهای توسعه یافته اهرم‌های مالی و اقتصادی خود را جهت آسیب‌رساندن به گروه کشورهای فقیر بویژه در مدت مذاکرات تجاری بکار بردند.

در طول مدت گفتگوهای تجاری در کانادا در سال ۲۰۰۳ بسیاری از کشورهای فقیر بعنوان کشورهایی که باید روی آنها تاکتیک‌های همراه با زور اجرا شود به حساب می‌آمدند بعنوان نمونه مقامات رسمی آمریکا و اتحادیه اروپا سعی در گسستن این کشورها از گروه ۲۱ عضوی بودند که به طور موفقیت‌آمیز مذاکرات تجاری غیرمطلوب را متوقف کردند. این نکته به طور کامل سستی تلاشهای اتحادیه قاره آفریقا را بیان می‌کند که به تقابل بین جنوب و شمال توسعه یافته شکل می‌دهند.

^۱ New Money

اولویتهای نابرابر

بخشی از مشکل این است که اولویتهای کشورهای آفریقایی و گروه هشت در نقطه مقابل هم هستند. اگر چه کاخ سفید احساس می‌کند که کمک برای توسعه می‌تواند مستقیماً به پیروزی در جنگ علیه تروریسم معنی پیدا کند آن هم توسط حمایت دولتهای جلودار و دولتهای ضعیف که معروف به محافظه‌کاران مهربان^۱ هستند. دولت بوش بیشتر نگران پروژه اجباری معروف به دکترین قدرت نرم است.

وسوسه تغییر رژیم و بکارگیری نیروی نظامی تهاجمی در جنگ علیه تروریسم به طور واضح انعکاسی از حاشیه‌ای شدن موضوعات توسعه آفریقا از برنامه کشورهای صنعتی می‌باشد. و به همین علت گروه هشت در حالیکه برای کاهش فقر در قاره آفریقا حدود شش میلیارد دلار تا سال ۲۰۰۶ در نظر گرفته، بیست میلیارد دلار برای امنیت تسلیحات اتمی روسیه به این کشور هدیه می‌دهد. زیرا گروه هشت بیشتر نگران این است که تجهیزات هسته‌ای از طریق کارخانجات هسته‌ای روسیه به دست القاعده نرسد.

در سطح دیگر، شرایط مربوط به پول جدید یا کمکهای توسعه در جهت کمک به ایجاد گشایش حیاتی برای فراهم کردن جای پای محکم‌تر برای برنامه امنیتی آمریکا در مورد بهره‌برداری از نفت این قاره می‌باشد. از یازده سپتامبر آمریکا روی تلاش جدید^۲ برای نفت آفریقا سرمایه‌گذاری کرده است.

به درخواست غیرواقعی گروه مبتکر سیاسی نفت آفریقا (AOPIG)^۳ تقریباً همه منابع استراتژیک نفت قاره تحت کنترل مؤثر نظامیان آمریکا قرار خواهد گرفت. حتی اگر

^۱. Compassionate conservatism

^۲. New Sramble

^۳. African Oil Policy Initiative Group

چه درگیری در دلتای نیجر علناً هیچ تأثیر ثانوی اسلامی یا آمریکایی ندارد، AOPIG به طور موفقیت‌آمیزی با واشنگتن لابی کرده تا نیجریه را تشویق به ترک اوپک (OPEC) کند و به ناو آمریکایی اجازه دهد برای کنترل مؤثر چاههای نفتی در دریا و برای تأمین امنیت برای شرکتهای نفتی فعال آمریکایی در این منطقه در این منطقه حضور یابد. همچنین طرح نظامی آمریکا در حفظ شرکتهای نفتی آمریکایی در این منطقه بیشتر توسط نظامیان که در چاد و یا در خلیج گینه و جزیره سائوتومه^۱ و پرنسیپ^۲ حضور دارند؛ تأمین می‌شود.

آمریکا در نقاط دیگر قاره نیز شبکه‌ای استراتژیک از پایگاههای نظامی برای ضربه وارد کردن به توانایی قاره در کنترل منافع و منابع ایجاد کرده است.

سرتاسر این استراتژی به دقت هماهنگ با طرح آمریکا در تضعیف اوپک و دور نگه داشتن آفریقا از گروه عرب و حداکثر میزان بهره‌برداری از بازار بین‌المللی نفت مطابق خواسته آمریکا می‌باشد.

در حال حاضر ۱۵٪ صادرات آفریقا به آمریکا از آفریقای غربی می‌باشد و تا سال ۲۰۱۵ بر اساس برخی پیش‌بینی‌ها این میزان به ۲۵٪ خواهد رسید.

هنوز فایده‌ای از این منابع عاید مردم آفریقا نشده است مگر ظهور و سازماندهی شرکتهای نفتی، حرکتی که گروه هشت در ظاهر با بی‌میلی، حمایت فعالی از آن به عمل می‌آورد.

یکی از آخرین پیشرفتهای که در نشست گروه هشت در جورجیا بدست آمده، وعده رئیس‌جمهور بوش بود که از کنگره خواست تا ۶۶۰ میلیون دلار برای راه‌اندازی نیروی

^۱. Sao Tome

^۲. Principe

۷۵۰۰۰ نفری آماده باش آفریقایی تا سال ۲۰۱۰ در نظر بگیرد. بهر حال تا زمانیکه ایده تربیت و تجهیز مؤثر نیروی آماده باش یک جواب مورد قبول به بحرانهای فراوان آفریقا است، آشکارا استراتژی ائتلاف ضعیفان و انحراف توجه اتحادیه آفریقا از ارزیابی خواسته‌های واقعی در برابر آنچه با پذیرش غیررسمی^۱ اشغال قاره توسط نیروهای آمریکایی انجام می‌گیرد، امکان پذیرفته شدن را دارد.

تمایل آمریکا در بکارگیری نیرو در بخشهای غنی از منابع قاره عمیقاً در تقابل با عملکردش در مورد نسل کشی آشکار در دارفور در غرب سودان می‌باشد با توصیف اینکه این واقعه یک نسل کشی نیست بلکه فاجعه انسانی است، گروه هشت نیز بطور جدی از تعهد اجباری (تحت اکنوانسیون ۱۹۴۸ در مورد جلوگیری و تنبیه جرم نسل کشی) جهت مداخله پرهیز می‌کند و در مورد قتل عام سیاهان توسط شبه نظامیان جنجیوا تردید دارد.

کالین پاول وزیر خارجه آمریکا و دبیرکل سازمان ملل کوفی عنان هر دو بر موقعیت دارفور آگاه هستند، جامعه بین‌الملل ملزم به مداخله می‌باشد. مداخله جامعه بین‌المللی تقریباً نیاز به قدرت درگیری آمریکا دارد. اگر چه بوش با عدم موفقیت کاملش در تهاجم به عراق از یک تعهد نظامی جدید بویژه در زمان حیاتی انتخاباتی که در نوامبر سال ۲۰۰۴ برگزار می‌شود، پرهیز می‌کند.

تونی بلر نخست وزیر انگلستان نیز با مشکل مواجه است زیرا در برابر انتقادات بسیاری در مورد درگیر شدن در عراق و در مقابل عدم فعالیت رهبران آلمان و فرانسه نمی‌تواند خود را توجیه کند.

^۱. de facto

وعده‌های بیشتر

بر خلاف دورنمای گروه هشت در داشتن خلف وعده، تونی بلر در یک اظهار رسمی بیان کرده که مشکلات آفریقا جای زخمی بر وجدان ما می‌باشد زیرا این مشکلات هنوز با گذشت یک مدت طولانی حل نشده است و باید ما جدی باشیم. اگر چه دولت بریتانیا در حال ترویج برگزاری نشست از سران آفریقا در سال ۲۰۰۵ می‌باشد یعنی درست زمانیکه ریاست گروه هشت و اتحادیه اروپا بر عهده بریتانیا می‌باشد، مفسران از ایفای نقش آن بعنوان ابتکار جدید ناامید هستند. آنها برآستی معتقدند که نیازی به برگزاری کمیسیون دیگری برای مطالعه مشکلات مستدل و تقریباً شناخته شده آفریقا نیست. به جای اینکه گذشته و بحران‌ها را بررسی کنید، بیایید و در مورد آنچه گروه هشت باید در مورد عملکرد و وعده‌های پیشین خود انجام می‌داد بحث کنید.

نتیجه:

علیرغم همه تلاشهای ارزشمند توسط کشورهای آفریقایی در مذاکره برای حمایت بیشتر جلب گروه هشت جهت تجدید حیات به اقتصاد قاره چیزی که اتفاق افتاده خلاف وعده و وعیدها بوده است. با گذشت دو سال از وعده‌هایی برای حمایت از آفریقا معروف به طرح مارشال برای آفریقا، هنوز حمایتی به عمل نیامده است. علی‌رغم نظر برخی که معتقدند اگر رهبران آفریقا فشار دیپلماتیک را روی گروه هشت ادامه دهند، وعده‌ها به عمل خواهد رسید، واقعیت این است که چنین اقداماتی نتیجه‌ای بدنال نخواهد داشت زیرا روابط گذشته و اخیر نشان می‌دهد که در واقع این روابط میان دولتهایی است که از نظر اولویت‌ها یا توسعه‌های ضروری نابرابر و در دو نقطه مقابل هم هستند. و این در

حالیست که عملکرد گروه سه یا هند، برزیل و آفریقای جنوبی (IBSA)^۱ در خلال همکاریهایشان با گروه G20+ در سازمان تجارت جهانی می‌تواند در تغییر تعادل نیروهای WTO به نفع کشورهای در حال توسعه مورد نقد قرار گیرد. زیرا به طور جدی نگرانیهایی در مورد توانایی G3 برای ایجاد تعادل بین دو بعد از مذاکرات بین‌المللی وجود دارد اول حمایت چندجانبه برای توسعه شورای امنیت سازمان ملل و دوم همکاری واقعی در شکلی از G20+ به صورت ائتلاف کشاورزی در بستر WTO.

بنابراین چندین واقعیت الزام‌آور را باید در نظر بگیریم و استراتژیهای جدید مورد مطالعه قرار گیرد تا IBSA به طور مؤثر به جنوب کمک کرده و برنامه اصلاحات خود را در سطح جدید دنبال کند. برای این کار ابتدا گروه IBSA نیازمند تحکیم اتحادش با کشورهای فقیر جنوب توسط مؤسسات منطقه‌ای قدرتمند قبل از اینکه در موضوعات دولت جهانی با کشورهای توسعه یافته گروه G8 وارد مذاکره شود، می‌باشد. واقعیت موضوع این است که کشورهای آفریقایی سیاست‌های خود را در جهت اصلاح اقتصاد کلان قرار داده‌اند در حالیکه نتایج خیلی محدود بوده است و بالعکس گروه هشت از پیروی آفریقا از سیاستهای آنها بهره بسیار می‌برد.

شاید زمان آن باشد که رهبران قاره این واقعیت را بپذیرند که کشورهای ثروتمند نه می‌توانند و نه می‌خواهند از گروههای فشار بخش کشاورزی کارگران فولادسازی یا سایر بخشهایی که با رأی آنها حمایت می‌شوند، نافرمانی کرده و بدین ترتیب برای قاره آفریقا بازار صادرات خوبی فراهم کنند. زیرا پیروزی در انتخابات برای آنها بسیار مهمتر از منافع آفریقائیهایی می‌باشد.

مهمتر اینکه، بهر حال رهبران جنوب نیاز به آگاهی از سیاست مشترک کشاورزی اتحادیه اروپا دارند و برنامه کشاورزی آمریکا به طور روزافزونی غیرقابل دست

^۱. India, Brazil, South Africa Group

یافتنی می‌شود و نتیجه نهایی که می‌توان از این سیاست‌های بحث‌انگیز گرفت این است که هم آمریکا و هم اتحادیه اروپا بزودی مجبور به آزادسازی بیشتر اقتصاد خود بدلیل اقتصادی هستند. حالا شاید وقت آن باشد سیاستهای تجاری خود را به جایی که منابع شدت کارگری هستند یعنی جنوب انتقال دهیم.

موانع می‌توانند بر طرف شوند اگر مؤسسات چندجانبه ما تقویت شده و امتیازهای کافی در مقابل یارانه‌های در نظر گرفته در کشورهای گروه هشت را داشته باشند.

اگر چه در ابتدا آسان نخواهد بود ولی بشدت این احساس را ایجاد می‌کند که جنوب برای اجازه دستیابی شمال به بازارهایش در تغییر وعده‌های آنها توانا خواهد بود. علاوه بر این زمان برقراری اتحاد برای رفاه بیشتر همچون ابتکار IBSA است. حتی بیشتر، جهان جنوب نیازمند فهم این است که هر پیشرفتی در اصلاح دولت جهانی و بازنویسی قوانین WTO می‌تواند با تعهد در ترتیبات دوجانبه همچون مواردی که توسط کشورهای ثروتمند تحت پوشش آگوا و نیپاد اجرا می‌کنند به سرعت فرسایش یافته و کم‌رنگ شود.

توصیه‌های سیاسی

۱. آفریقا نیازمند یافتن راه‌حلهایی برای مشکلاتش می‌باشد؛ ثبت وعده‌های عمل نشده به وضوح نشان می‌دهد که آفریقا به یافتن مدل‌های جایگزین توسعه نیازمند است. یک نیاز برای سیاست نگاه جدید به شرق با تمرکز ویژه بر چین، مالزی و هند سبب غلبه بر مشکلات عدم توسعه می‌شود. با توجه به دوران همراهی دیکتاتور گونه از واشنگتن و اعتقاد بی‌چون و چرا به بازارها نیازمند تغییر مناسب دیدگاه خود هستیم.
۲. اتحادیه آفریقا نیازمند تدبیر سیاستی مشترک برای حفظ منافع و اولویت‌های قاره است:

اتحادیه آفریقا بدنبال عملی کردن نهاد شورای امنیت و صلح خود و پارلمان پان‌آمریکن (PAP)^۱ می‌باشد. و نیازمند بحث قدرتمند برای دخالت در بکارگیری نیروی نظامی خارجی در همه مناطق مهم استراتژیک اقتصادی است. حتی مهمتر اینکه شرکت در توافقات دوجانبه و توافقات تجارت آزاد با کشورهای عضو گروه هشت همچون آگوا و توافقتنامه اخیر ساک با آمریکا SACU-US نیازمند این بررسی است که آیا این اقدامات در جهت خنثی کردن تلاشهای قاره است یا دموکراتیک کردن WTO.

۳. قبل از اینکه اقدام به برقراری اتحادهای جنوب - جنوب بیشتری همچون IBSA کنیم نیاز ویژه‌ای برای ساختار و تقویت گروههای منطقه‌ای همچون سادک وجود دارد ایده این است که تعداد نیروهای لازم برای فشار آوردن بر برنامه اصلاح جهانی جنوب در WTO ارزیابی شود و یک اجماع قوی جنوب - جنوب جایگزین دولتهای قدرتمند که معرف دولت جهانی هستند بشود.

ترجمه و تلخیص: محمدحسن معظمی گودرزی

کارشناس مرکز مطالعات آفریقا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

منبع:

GLOBAL INSIGHT, Issue No. 34, July 2004.

^۱. Pan African Parliament